



مایکل شومن

عضو ارشد مطالعات چین در شورای آتلانتیک

به سوی جهانی دوتکه

رهبران چین در حال حاضر مشغول جداکردن کشورشان از جهان هستند. در سال‌های اخیر، شی جین‌پینگ رئیس‌جمهور چین سیاست‌هایی را با هدف استقرار «پاکس سینیکا» (یک نظم جهانی متفاوت و ساخته چین) در پیش گرفته است. ظاهراً شی با سیاست خارجی ستیزه‌جویانه جدید خود، ایالات متحده را حریف استراتژیک و اقتصادی اصلی چین و نظام جهانی تحت رهبری ایالات متحده را محدودکننده قدرت چین می‌بیند و قدم‌هایی برداشته تا اتکای کشورش به ایالات متحده و متحدانش را کم کند و بر کارزار «خودکفایی» تاکید می‌کند. اینکار «کمربند و جاده» که ظاهراً برنامه‌ای برای توسعه و ایجاد زیرساخت در کشورهای نیازمند است، در واقع به این منظور طراحی شده تا نفوذ و سلطه سیاسی و تجاری چین را در کشورهای ضعیف‌تر افزایش دهد و آنها را از راه تجارت، تامین مالی و فناوری به چین وابسته کند. این تغییر گرایش در الگوی سرمایه‌گذاری خارجی چین هم مشهود است: بر اساس آخرین تحلیل مؤسسه امریکن اینترپرایز از سرمایه‌گذاری برون‌مرزی چین، به طور کلی، ایالات متحده مقصد اصلی سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چینی است. اما این سرمایه‌گذاری از بیشترین

میزانش که ۵۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ بود به سه میلیارد دلار در سال ۲۰۱۹ سقوط کرده و سال ۲۰۲۱ به یک میلیارد دلار رسید. از نظر یکن، بحران اوکراین ثابت می‌کند که مسیر انتخابی شی بهترین راه برای آینده چین است. نمی‌توانیم مطمئن باشیم که او و سیاست‌گذاران اصلی حزب کمونیست چین چه فکری در سر دارند، اما می‌شود تصور کرد با دلهره به تحریم‌های سختی نگاه می‌کنند که غرب بر روسیه اعمال کرده است. محافظت از چین در برابر این نوع اعمال تنبیهی از انگیزه‌های پشت این سیاست‌های «جدایی» است. در همین حال، همه‌گیری دنباله‌دار ویروس کرونا روابط تجاری را تحت فشار قرار داده است. با گذشت بیش از دو سال از شیوع اولیه و سؤال‌برانگیز ویروس در ووهان چین، این کشور هنوز استاندارد «بدون کووید» را دنبال می‌کند و حتی با میزان ابتلای بسیار کم، هنوز شهرها را قرنطینه می‌کند که تازه‌ترین نمونه‌ها شانگهای و شنزن، دو قطب اقتصادی حکومت یکن هستند. از بسیاری جهات، رویکرد چین به اقتصاد جهانی کمک کرده است. در غیاب یک بحران جدی سلامت، اقتصاد چین و کارخانه‌هایش باز و فعال مانده‌اند و زنجیره‌های تامین را بهبود بخشیده‌اند. اما ناگهانی

حمله روسیه به اوکراین و محدودیت‌ها و تبعات همه‌گیری مربوط به کووید در چین، ظاهراً ارتباط چندانی به هم ندارند. اما هر دوی آنها شتاب‌دهنده تغییراتی هستند که جهان را به سمت و سوی ناگهانی می‌برند و آن را به دو بخش تقسیم می‌کنند، یکی متمرکز بر واشنگتن و دیگری بر یکن. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به نظر می‌رسید که جهانی‌سازی برای همه کشورها و جوامع، نظم و رفاهی به ارمغان بیاورد که آنها را با تجارت، اینترنت و تا حد بسیار زیادی، آرمان‌های سیاسی و اقتصادی به هم وصل می‌کرد. انقلاب کاپیتالیستی چین این امید را به وجود آورد که این غول کمونیستی چنان درگیر نظام جهانی دموکراسی‌محور شود که توان مقابله با آن را نداشته باشد. اما با آغاز قرن بیست‌ویکم، در حالی که تقابل سیاسی، ملی‌گرایی اقتصادی و بومی‌گرایی فرهنگی بار دیگر گسترش می‌یابد، خوش‌بینی پس از فروپاشی شوروی از بین رفته است. تشدید تنش در روابط میان ایالات متحده و چین، همراه با بلندپروازی‌های اهربردی و اقتصادی افزایش یافته، رقابت بر سر ابرقدرتی تازه و نبرد ایدئولوژیکی را بین هنجارهای جهانی لیبرال و غیرلیبرال به وجود آورده است.



روی دیگر جنگ اوکراین نمایان می‌شود

بمب ساعتی «بحران غذایی»

«جاناتان کلیرین» یکی از مهاجران ایرلندی که در مزارع کندم اوکراین کشاورزی می‌کند، در زمستانی که گذشت مثل هر سال باید از نیتروژن در مزارع کندم استفاده می‌کرد. او باید دانه‌های ذرت و آفتابگردان را تحویل می‌گرفت و کاشت‌های خود را تا همین روزها آماده می‌کرد. اگر همه چیز مانند همیشه پیش می‌رفت، جاناتان همراه با همسر اوکراینی خود و سه پسر و سگ‌شان در مزرعه‌شان در لویو در غرب اوکراین، مانند دیگر کشاورزان اوکراینی بهاری آرام و دلچسب را پیش‌رو داشت.

اما با حمله روسیه به اوکراین، جاناتان هم این روزها همان کاری را انجام می‌دهد که کشاورزان اوکراینی انجام می‌دهند: شرایط ادامه زندگی خانواده خود در کشور جنگ‌زده اوکراین را بررسی می‌کند، به خانواده‌هایی که از موشک‌باران روسیه فرار می‌کنند، پناه می‌دهد و دراین‌میان تمام تلاشش را می‌کند که مزرعه‌اش را سرپا نگه دارد. بسیاری از کشاورزان اوکراینی حتی خانواده خود را ترک کرده‌اند و برای دفاع از اوکراین در برابر حملات روسیه به مناطق نبرد رفته‌اند.

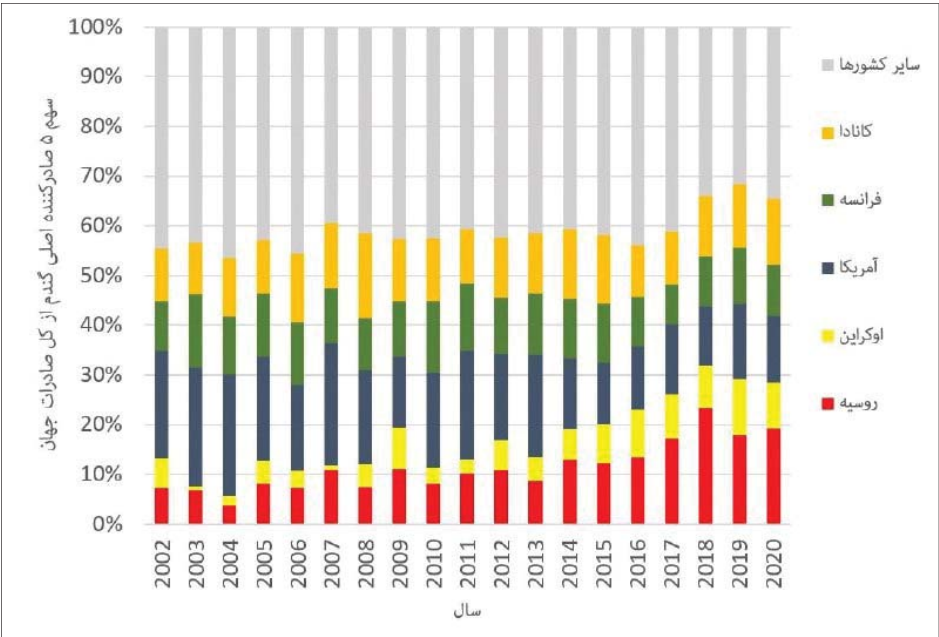
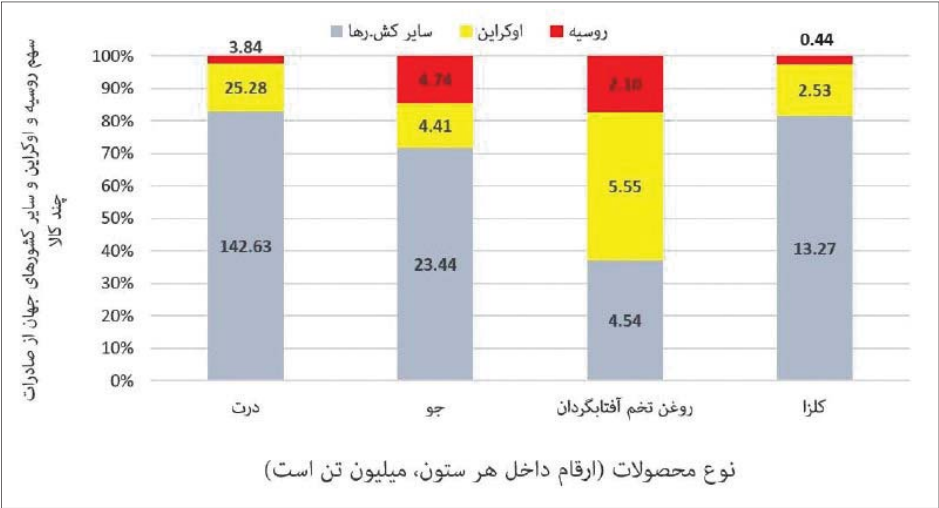
با این حال، کلیرین هنوز هم خود را خوش‌شانس می‌داند. او ۱۵ سال پیش دست خالی و تنها با یک کاپشن روی شانه‌هایش به اوکراین رفت و اکنون سه هزار هکتار مزرعه در منطقه نسبتاً سالم لویو در نزدیکی مرز لهستان دارد.

کلیرین به نشنلان جنوگرافیک می‌گوید: «اما بسیاری از کشاورزان در شرق و مرکز اوکراین نمی‌توانند محصول خود را برداشت کنند؛ زیرا روس‌ها به هر چیز متحرکی شلیک می‌کنند. فکر می‌کنم عمده محصولات روی زمین باقی خواهد ماند و شاید یک‌سوم یا یک‌چهارم میزان هر سال قابل برداشت باشد».

آلبوم‌روز

جنایت جنگی در «بوچا»

با تخلیه شهر بوچا در شمال غرب کی‌یف پایتخت اوکراین از سوی نظامیان روسیه و ورود مقام‌های اوکراینی به این شهر، ابعاد جنایتی که نظامیان تحت فرمان ولادیمیر پوتین در بوچا رقم زنده‌اند، نمایان‌تر شده است. نظامیان اوکراینی و عکاسان مستقل پس از ورود به بوچا اجساد شهروندان اوکراینی را در خیابان‌های این شهر مشاهده کردند که تعداد آنها به حدود ۳۰۰ نفر می‌رسید. «آناتولی فدوروک» شهردار بوچا تصاویری از این کشتار را در حساب توئیتر خود منتشر کرده و نوشته: «ما بیش از ۲۸۰ جسد را در گورهای دسته‌جمعی به خاک سپردیم. درحالی‌که دست بسیاری از آنها از پشت بسته شده بود. آنها نه عضو ارتش اوکراین بودند و نه سلاح داشتند. این غیرنظامیان هیچ تهدیدی محسوب نمی‌شدند». وزارت دفاع اوکراین هم در توئیتی اعلام کرده که در مدت چند هفته‌ای که بوچا در اشغال نظامیان روسیه بود جنایت جنگی رخ داده و «غیرنظامیان این شهر به طور خودسرانه و با دست‌های از پشت بسته کشته و اجسادشان در خیابان‌های شهر پراکنده شده بود».



کشورهای در معرض بحران

روسیه و اوکراین دارای بهترین خاک مناسب کشاورزی معروف به چرنوزم یا خاک سیاه هستند. با تغییرات ساختاری در طول حدود ۳۰ سال گذشته، سه کشور روسیه، اوکراین و قزاقستان، تبدیل به سه بازیگر اصلی در میان صادرکنندگان بعضی غلات و دانه‌های روغنی یا خوراک دام در سطح بین‌المللی شدند. روسیه از واردات بیش از ۱۳.۵ میلیون تن کندم در سال ۱۹۹۲، به سقف صادرات بیش از ۴۰ میلیون تن کندم در سال ۲۰۱۸ رسیده است. اوکراین و قزاقستان هم مسیر مشابهی را طی کردند. باوجوداین میزان تولید و صادرات محصولات کشاورزی روسیه و اوکراین تابعی از وضعیت اقلیمی این دو کشور است. اهمیت صادرات محصولات کشاورزی نیز در دو کشور متفاوت است. براساس اطلاعات سازمان جهانی تجارت، به طور متوسط، برای دوره چهارساله ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، بیش از ۴۰ درصد صادرات اوکراین اختصاص به محصولات کشاورزی و غذایی داشته، درحالی‌که این رقم برای روسیه کمتر از ۹ درصد کل صادرات

این تعطیلی‌ها و قرنطینه‌ها باعث شک و تردیدهایی شده است. این مسائل شرکت‌های خارجی را تحت فشار بیشتری قرار می‌دهند تا با توجه به افزایش خطر سیاسی، موانع نظارتی، اختلافات تجاری و نگرانی‌های حقوق بشری، تامین منابعشان را صرفاً در چین متمرکز نکنند. مرزهای این دو نیم‌کره روز به روز نمایان‌تر و مشخص‌تر می‌شوند. تغییرات در دولت‌ها و حکومت‌ها می‌توانست مانع رفتن به سوی این جهان جدید شود که حالا اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید. اگرچه جز اینکه آنچه می‌تواند پدیدار شود دو نیم‌کره نیمه مجزا با ارتباطات اقتصادی بیشتر در درون و بیرون آن نیم‌کره‌هاست. هر کدامشان از فناوری متفاوتی استفاده خواهند کرد و بر اساس هنجارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی متفاوتی عمل خواهند کرد. هر کدامشان احتمالاً موشک‌های هسته‌ای‌شان را به سوی دیگری هدف بگیرد و در بازی با حاصل جمع صفر، برای قدرت و اعمال نفوذ رقابت کنند. این جهانی نیست که کسی خواهانش باشد. اما ممکن است جهانی باشد که در هر صورت به آن برسیم.

منبع: Atlantic

بوده است.

براساس آمارها، نقش روسیه و اوکراین در صادرات کندم در طول دوره ۲۰۰۲ تا ۲۰۲۰ پرنگ شده و روسیه در سال‌های گذشته ایالات متحده را نیز پشت سر گذاشته و تبدیل به اصلی‌ترین صادرکننده کندم جهان شده است. در سال ۲۰۲۰، روسیه سهمی در حدود ۱۹ درصد و اوکراین سهمی در حدود ۱۰ درصد از کل صادرات کندم جهان را به خود اختصاص داده‌اند. این رقم دربرگیرنده کمتر از یک‌سوم صادرات کندم جهان بوده است.

در دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰، واردکنندگان اصلی کندم روسیه به ترتیب مصر، اندونزی، بنگلادش، فیلیپین، مراکش، تونس و ترکیه بوده‌اند. در همین دوره واردکنندگان اصلی کندم اوکراین نیز به ترتیب کشورهای مصر، ترکیه، بنگلادش، سودان، نیجریه، یمن و ویتنام بوده‌اند.

کشورهای بسیار دیگری که در گروه کشورهای یا امنیت غذایی پایین دسته‌بندی می‌شوند، نیز واردکننده کندم روسیه و اوکراین هستند. به این گروه، کشورهایی مانند اتیوپی، لیبی و لبنان را که دچار بی‌ثباتی داخلی هستند، باید اضافه کرد. منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا مشتری مهمی برای کندم صادراتی روسیه است و این کشورها واردکننده حدود ۶۰ درصد صادرات کندم روسیه هستند.

علاوه‌براین در همین دوره به طور متوسط، اوکراین بیش از ۲۵ میلیون تن صادرات سالانه ذرت داشته که همراه با روسیه، کمتر از یک‌پنجم صادرات ذرت جهان را از آن خود کرده‌اند. در سال‌های گذشته اوکراین به‌تهایی اندکی کمتر از ۵۰ درصد روغن دانه‌های آفتابگردان جهان را صادر کرده است و بخش بزرگی از صادرات روغن آفتابگردان و ذرت اوکراین به چین و اتحادیه اروپا ارسال می‌شود.

با طولانی‌شدن درگیری و آغاز فصل کاشت، صدای بمب ساعتی کمبود مواد غذایی بلندتر می‌شود. «عارف حسین»، اقتصاددان ارشد برنامه جهانی غذای سازمان ملل، می‌گوید که حدود ۲۶ کشور در سراسر جهان بیش از نیمی از کندم خود را از روسیه و اوکراین تهیه می‌کنند. حسین می‌گوید: «اگر این جنگ در هفته‌های آینده متوقف نشود، اوضاع بدتر خواهد شد. ادامه جنگ به آن معناست که اوکراین قادر به کاشت ذرت نخواهد بود. کندم رستمانه از زمین بارور نمی‌شود و برداشت محصولات هم به‌شدت کاهش می‌یابد. این یک خطر واقعی برای تمام جهان است. درست است که اوکراین کشوری ۴۰ میلیونی است؛ اما برای حدود ۴۰۰ میلیون نفر در جهان غذا تولید می‌کنند. این واقعیت دنیای جهانی‌شده امروز است.»

«عارف حسین» که از آن‌س محل فعالیتش در سال گذشته به ۱۲۸ میلیون نفر غذا رسانده – که بیشترین میزان در تاریخ ۶۰ساله برنامه جهانی غذا محسوب می‌شود– می‌گوید که جهان امروز حتی بی‌ثبات‌تر از سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ است. «در سال ۲۰۰۸ ما درگیر همه‌گیری چنین گسترده نبودیم. جنگی در یمن، سوریه، اتیوپی یا شمال شرقی نیجریه نداشتیم. به دلیل کووید، بسیاری از دولت‌ها درگیر بحران شده‌اند. سطح بدهی به همان اندازه که در بسیاری از کشورهای فقیر بوده افزایش یافته است. تورم به میزانی بی‌سابقه رسیده است. حتی قبل از حمله روسیه به اوکراین، قیمت مواد غذایی به بالاترین حد خود در ۱۰ سال گذشته و قیمت سوخت در بالاترین حد در هفت سال گذشته رسیده بود. در کنار این مسائل، ازدست‌رفتن صدها هزار شغل و کاهش درآمد همراه با افزایش هزینه‌ها را اضافه کنید. مردم از هر دو طرف تحت فشار قرار دارند. جنگ اوکراین در بدترین زمان ممکن رخ داده است».

